

AMBER ALERT

Amber Alert

Aoi
Sekai

Uploader

Thora

Translator

Ara

Editor

Thora & Hani

Director

Medusa

ارائه شده توسط تیم ترجمه و ادیت آنوبی سکای.

هشدا Amber Alert

وانهواکا، Gongtae

چهره کوری.

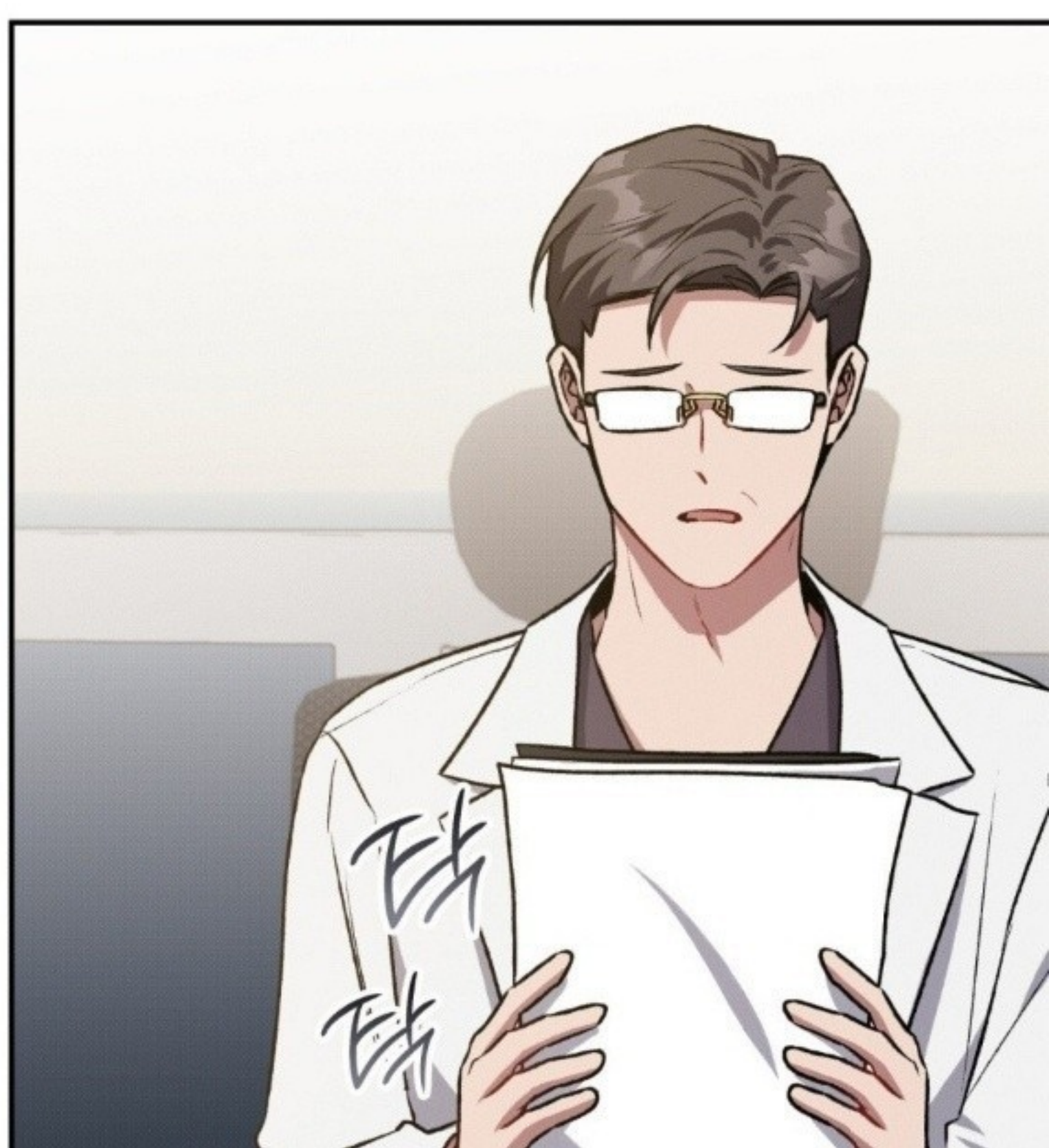
به خاطر آسیب
به مغزش به وجود
اومده.

از اول
همچین مشکلی نداشت،
درسته؟



آدم‌هایی که
دچار چهره‌کوری‌ان، خیلی
کم پیش میاد که خوب
باشن.

شایدم دلیلش
روانی باشه...



هنوز برای یه
تشخیص قطعی زوده، پس
یکم بیشتر تحت نظر شون
داریم.





عادتش اینه که موقع راه
رفتن شونه راستش
همیشه زودتر میاد جلو.



روی ناخن هاشم یه سری
خط های عموی داره، انگار
یه مشکلی تو تغذیه شه.

قوز داره و
کج راه می ره.



این همون پرستاریه
که موقع سیتی اسکن
همراهم بود.



همراه
بیمار می امدم،

اتفاقا داشتم
می رفتم دنبالتون
صداتون بزنم.





یه مرد غریبه.



درسته،
من آمبرم.



...آمیر.

آمیر...

울컥

شنیدی دکتر
چی گفت؟

خیلی
آسیب دیدی.



خیلی وقت
بود که ندیدمت.



آره، خیلی
وقت بود.



.....



نمی‌خواهی
چیزی ازم بپرسی؟

چرا. حالت
چطور بوده، چیکارها
می‌کردی.



اما من
رویادت نمیاد.

تنفس، فیلتر
پینه‌ها رو لازم قایم می‌کنن.

آه.

با اینکه می‌دونم
اسمش آمبره، هنوز
برام غریبه‌ست.



بعد از دو سال
بالاخره باهات تماس
گرفتم،

حالا می‌فهمی من
چه حالی دارم که توی
بیمارستان بستری‌ای؟

یعنی این به‌خاطر
اون بیماری لعنتیه؟



می‌شه پیرسم
چرا خونه رو فروختی؟

دو سال خیلی بیشتر
از اون چیزی بود که
فکر می‌کردم؟

یا اینکه همیشه
یه نقشه‌ای تو
سرم داشتم؟

چون توی انگلیس
کار می‌کنم.



می‌خواهم به پهنه‌ی
مریض بودنتم فرار
کنم.



نامه‌ام رو
خوندی؟



...اوم.



آسیب دیدی؟

نمی‌دونم.



رگ گردنش
برجسته شده.

حتما عصبانيه.

به پرستار
زنگ بزن.

يادم رفت
پيرسم مي تونم آب بخورم
يا نه.





چون مثل
بچه‌ها باهام رفتار
می‌کنی.



خیلی بزرگ شدی،
دیگه نمی‌شه بچه حسابت کرد.
هنوزم ورزش می‌کنی؟





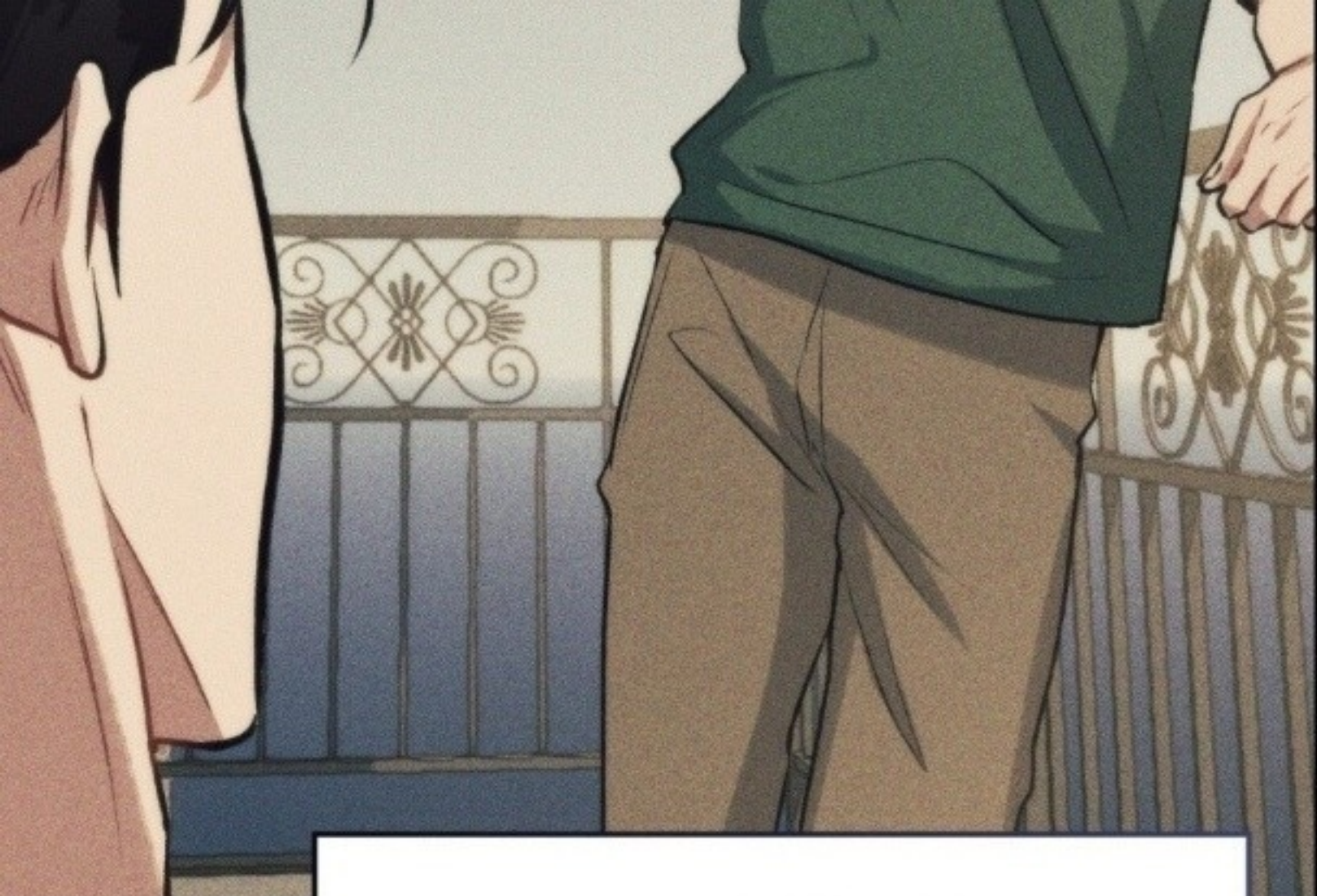
به هر حال با
همین ورزش تونستم
بورسیه بگیرم.



اگه تو این دو سال آمبر
هیچ تغییری نکرده بود،
شاید حتی با وجود چهره کوریم
هم، زود می شناختمش.

دقیقا یادمه چطور راه
می ره، یا وقتی عصبانی
می شه چجوری صداش می لرزه.





با اینکه مدت‌ها از بلوغش
گذشته ولی، هنوز لحن حرف
زدنش مثل بچه‌هاست.

شاید چون برخلاف گذشته،
توی این دو سال حتی یه عکس
یا خبریم ازش نداشتم، برام
غریبه شده؟



نه خیلی.



نکنه چون
پیشت نبودم، حالت
خوب نبوده؟



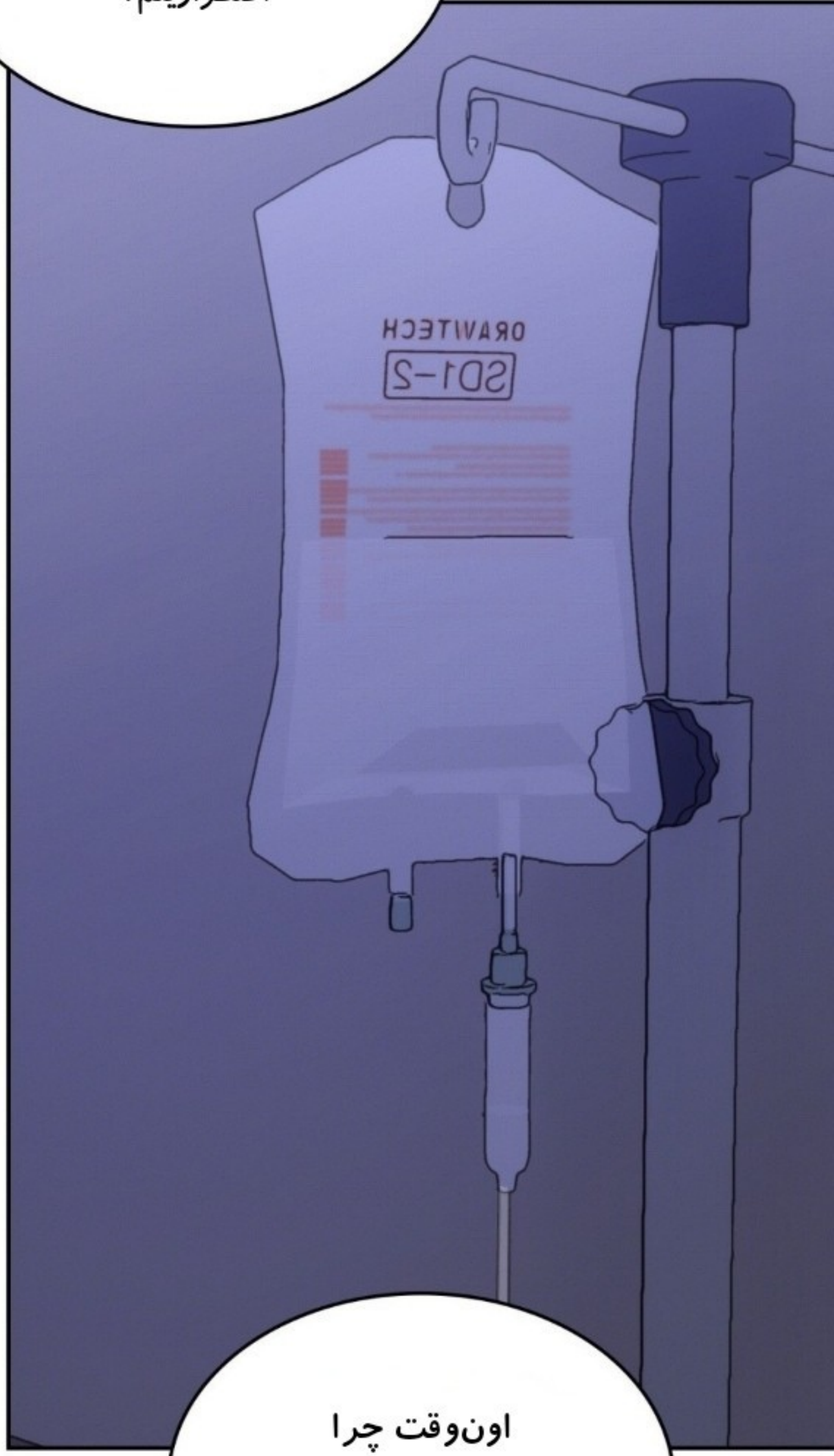
هنوزم
همون قدر پروئه.

این مدت
چجوری می خوابیدی؟



با قرص
خواب آور.

اگه انقدر بی تفاوتی،
چرا من توی لیست تماس های
اضطراریتم؟



اون وقت چرا
حتی یه بارم جوابم
رو ندادی؟



نمی دونم.



به خاطر من بود؟
به خاطر من تو دردسر
افتادی، تنسی؟

یکم.



پس فرار کن،

از من.



تا حالا بهت
گفتن ترسوایی؟



یه مردی که بدنش انقدر
بزرگ و قویه که می‌تونه
کل بدن من رو بپوشونه.

خیلی زیاد،

ترسو؟

شاید خودم این کلمه
رو به زبون آورده باشم، اما
هیچ وقت نشیدمش.

یه کینه‌ی
عمیق.

می‌دونم که
گیج و سردرگم بودی.

می‌دونم که
پذیرفتنش برات راحت
نبوده.

اما فکر کنم از
این به بعد قراره بیشتر
از قبل توی در دسر بندازمت،
تنسی.



با این بدن دیگه
حتی نمی‌تونم فرار
هم کنم.

حرف بدیم نیست.





وقتی که توی لیست
تماس‌های اضطراریم حداقل
باید دینم رو ادا کنم و جواب
تماس‌ها رو بدم.



بزرگ شدنت
مبارک، آمبر.





شب بخیر.



این بار نزدیک بود
از شدت خشم از
کوره در بره.

یعنی واقعا
بزرگ شده ...



شب...
توهم بخیر.

سلام

این فایلی که هم اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoi Sekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سرش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)